

آسیب شناسی تربیت دینی در عصر جهانی شدن و راهکارهای تعامل پویا با آن

نویسندگان: دکتر مهدی سبحانی نژاد^{۱*}، عبدالله افشار^۲ و رضا
رضایی زارچی^۲

۱. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

۲. کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد

*E-mail: sobhaninejad@shahed.ac.ir

چکیده

در پژوهش حاضر، آسیب شناسی تربیت دینی در عصر جهانی شدن در حوزه تربیت دینی هدف قرار گرفته است. روش انجام پژوهش، تحلیل اسنادی بوده به منظور گردآوری داده‌های لازم جهت پاسخ به سؤال‌های پژوهش، اسناد موجود و مرتبط با موضوع جهانی شدن و تربیت دینی با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها جمع‌آوری و به شیوه کیفی تجزیه و تحلیل شده است. عمده‌ترین یافته‌های پژوهش عبارتند از: جهانی شدن از پدیده‌های شاخص زمان حاضر است که ماهیت آن به واسطه سیال، در حال تحول و جدید بودن، مبهم است با این وجود می‌توان آن را فرآیندی، اجتماعی دانست که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده از بین رفته و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها، آگاه می‌شوند. در خصوص تربیت دینی در عصر جهانی شدن باید اذعان داشت: تربیت حقیقی از چهار مؤلفه؛ تبیین، عرضه معیارها، تحرک درونی و نقادی برخوردار است. دین مجموعه گزاره‌های توصیفی و تجویزی است که از طرف خداوند به انسان داده شده و دینی بودن نیز، ناظر به دگرگونی‌هایی است که در وجود فرد به واسطه دین به وجود آمده و اعتقادی و فکری، تجربه و التزام درونی و عمل از ویژگی‌های آن است. چالش‌های احتمالی جهانی شدن برای تربیت دینی؛ کاهش میزان کنترل مدارس بر آموخته‌ها، کیفیت و جهت‌گیری‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان، تضعیف تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگ انسانی در اثر رواج مصرف‌گرایی، مد و شیء پرستی، رواج دنیاگرایی و دین‌زدایی، تأکید بر جهت‌گیری غیردینی به دلیل تهی شدن جامعه از معنویت و تحمیل آن بر جوامع مختلف، تضعیف نقش دین در زندگی روزمره، ترویج نظام ارزشی متکی بر قرارداد اجتماعی، خصیصه ساخت شکنی و... می‌باشد. عمده‌ترین راهکارهای تعامل پویا با چالش‌های مذکور در حوزه تربیت دینی، شامل کاربرد اصل تعقل و پرهیز از سطحی‌نگری، شناختن تمایلات و تمنیات فطری و پرهیز از افراط و تفریط، توجه به ارزش‌های عمیق انسانی، توجه به وحدت و یکپارچگی در بینش، منش و... مهرورزی و محبت، تقوای حضور و بهره‌گیری از عنصر زیبایی شناختی، است.

کلید واژه‌ها: جهانی شدن، تربیت دینی، چالش، راهکار.

دانشور

رشتار

تربیت و اجتماع

• دریافت مقاله: ۸۶/۱۲/۴

• پذیرش مقاله: ۸۹/۱۰/۱۹

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
Seventeenth Year
No.42
Aug-sep. 2010
Education & Society

دوماهنامه علمی-پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال هفدهم - شماره ۴۲

شهریور ۱۳۸۹

مقدمه

عصر کنونی زمانه بحران و چالش‌هایی است که باعث تغییرات عمده و زیربنایی در ابعاد مختلف زندگی انسان و نفوذ در ثابت‌ترین ابعاد وجودی وی شده است. از عمده‌ترین این تغییرات (ناشی از این چالش‌ها و بحران‌ها)، تغییراتی در بعد معنوی و ارزشی و به تبع آن به چالش کشیدن ارزش‌های دینی و معنوی است [۱].

تربیت دینی به مفهوم فراگیر آن می‌تواند کلیدی‌ترین نقش را در توسعه معنوی و کمال جامعه دینی ایفا کند و هر گونه کاستی در آن، موجب بروز نابهنجاری‌های جبران‌ناپذیری در پرورش نسل نوین جامعه می‌شود.

تربیت دینی، آن است که تدین در ارتباطی از نوع تربیت در فرد شکل گیرد. در صورت ترکیب مؤلفه‌های تدین و تربیت می‌توان در عصر جهانی شدن از تربیت دینی صحبت کرد، و پیراستن تربیت دینی از تلاش‌های شبه تربیتی و بدفهمی‌ها از دین، امکان توفیق تربیت دینی در عصر حاضر را فراهم می‌کند.

بین آموزش دینی و تربیت دینی فرق است. آموزش دینی نتیجه‌گراست و با برنامه‌های رسمی در آموزش و پرورش از طریق دروسی مثل دینی، قرآن، عربی و... تداوم دارد، و با ارزشیابی کمی قابل اندازه‌گیری است. اما تربیت دینی، که بر پایه تعلیم استوار است، فرایند مدار است. امری است که تدریجی اتفاق می‌افتد، رشد و پویایی دارد، بسیار تحول‌گراست، و با ارزشیابی کمی قابل اندازه‌گیری نیست.

آسیب‌شناسی تربیت دینی، شناسایی آسیب‌ها و چالش‌های موجود در تربیت دینی است که با وجود قدمت دین و آسیب‌های دینداری مطالعات زیادی در باب آن صورت نگرفته است. تربیت دینی به حسب سنت دیرینه به انتقال یک سلسله اطلاعات مجزا منحصر شده، لذا انجام اعمال اخلاقی و دینی توسط دانش‌آموزان به دلیل منابع پاداش و تنبیه، جایگزین

شور و رغبت دینی در آنها شده که به تبع آن گرایش‌های انحرافی را می‌بینیم.

شواهد قانع‌کننده‌ای وجود دارد که از آشفتگی در وضعیت تربیت دینی در کشور حکایت می‌کنند. کشور ما به رغم برخورداری از فرهنگ و انقلاب دینی و توجه به دین به عنوان پایه همه برنامه‌های مادی و معنوی، از این آسیب‌ها در امان نبوده است. انقلاب ارتباطات باعث سرایت آسیب‌های جهانی به کشور شده است. آسیب‌ها و بحران‌هایی که نیاز است، شناسایی شوند تا در پناه این شناسایی بتوان در راه رفع آنها گام نهاد.

اگر تلاش همه ما بر این قرار گیرد که از طریق روح حاکم بر برنامه‌های رسمی و غیررسمی (خارج از آموزش و پرورش) تربیت، ترکیه و تأدیب، صورت گیرد، و مفاهیم نظری به صورت رفتار دینی درآید، می‌توانیم ادعا کنیم که تربیت دینی تا حد زیادی تحقق پیدا کرده است. تربیت دینی زمانی محقق می‌شود که نوجوان و جوان ما به مرحله تأدیب به مفهوم حسن خلق و تخلق به اخلاق حسنه، رسیده باشد. یعنی آنچه قرآن به عنوان اسوه حسنه وجود مبارک پیامبر (ص) معرفی می‌کند باید الگوی مرتبی ما قرار بگیرد؛ که همان حضور بخشیدن به قرآن در متن زندگی نوجوان و جوان ماست.

یکی از تحولات دوران معاصر که اثرات شگرفی را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به جای گذاشته و می‌گذارد، مسأله جهانی شدن است. جهانی شدن با ابعادی که دارد بر تمامی عرصه‌ها از جمله تعلیم و تربیت نیز اثرات فراوانی (مثبت و منفی) به جای می‌گذارد. امروزه یکی از نمادهای تأثیر پدیده جهانی شدن بر تعلیم و تربیت، یادگیری جهانی و تغییر پارادایم تعلیم و تربیت است. به عبارت دیگر، تأثیر جهانی شدن بر نظام آموزشی، به معنی دگرگونی در پارادایم یادگیری و تعلیم و تربیت است [۲].

یکی از ابعاد زندگی بشری که از فرآیند جهانی شدن متأثر می‌شود فرهنگ و دین جوامع است. لذا تعیین و شناخت تربیت دینی در عصر جهانی شدن و تأثیر و تأثر متقابل آن از اهمیت زیادی برخوردار است. جهانی شدن

جهانی شدن مرزها و هویت‌ها را کم رنگ می‌کند، و بی توجه به مردم، کالاها، اطلاعات، عادات و هنجارها به مرزها اجازه جا به جایی می‌دهد. و از آنجا که نمی‌توان مرزهای نفوذناپذیری در مقابل اشاعه اندیشه‌ها و کالاها ایجاد کرد بنابراین جهانی شدن در بلند مدت به هر حال استیلا خواهد یافت [۹].

جهانی شدن دارای ابعاد فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی است و در معنای مثبت نوعی فرصت انتقال تجارب و دستاوردهای موفق بخش‌های توسعه یافته جهان به سایر بخش‌های جهانی و «تبادل فرهنگی» تمام ملل است، از این رو تعبیرات منفی‌گرایانه و تک بعدی از آن چندان معقول نیست. و درک استعماری و فرا استعماری از آن لازم است [۱۰].

سیر جهانی شدن ایجاب می‌کند که طرز تلقی ما نسبت به جهان، انسان، علم، یادگیری و شیوه‌های آن و سایر عناصر مربوط به تعلیم و تربیت تغییر کرده، دوباره توصیف شود. تعلیم و تربیت به علت ارتباط متقابل و عمیقی که با حوزه‌های مختلف معرفت و ارکان زندگی بشر دارد ناگزیر از تأثیر است و باید مطابق با تحولات جامعه، تجدید ساختار یافته تا بتواند پاسخگوی نیازها و خواست‌های افراد جامعه بوده و جامعه را در جهت تعالی سوق دهد [۱۱].

تعلیم و تربیت در جامعه ما از دیر باز با آموزه‌های دینی آمیخته بوده و اکنون در سطحی گسترده و عمیق از آن متأثر است. این نوع از تعلیم و تربیت به علت دغدغه‌های اخلاقی و اعتقادی، سعی در دور نگه داشتن افراد از انحراف‌های عقیدتی، اخلاقی و... داشته و تربیت قرنطینه‌ای را برقرار می‌سازد [۱۲]. تربیت قرنطینه‌ای (تحریمی) نوعی از تربیت دینی است که نه به جوامع اسلامی و تاریخ معاصر منحصر است بلکه در مکاتب، ادیان و جوامع مختلف در زمانهای متفاوت بسته به شرایط جامعه اعمال می‌شده است. اساس تربیت تحریمی ایجاد مرز و سپس قرنطینه است. در این نوع از تعلیم و تربیت سعی بر آن بوده و هست که با دور کردن افراد از محیط‌های نامطلوب و ایجاد خط قرمز آنان را مصونیت

از یک طرف امکانات و وسایل جدید برای آموزش، انتقال و تبلیغ آموزه‌های دینی که بین ادیان مشترک است فراهم کرده و امکان گفتگوی ادیان را در جهت تفاهم بین ملت‌ها و رسیدن به یک سری ارزش‌های مشترک بین دینی به وجود آورده و از طرف دیگر زمینه تکثرگرایی، نسبی‌گرایی و شخصی شدن ارزش‌ها و تربیت دینی را فراهم کرده است [۳].

آرزوی جهان شمول کردن اندیشه‌ها، نوع حکومت‌ها و ترویج قدرت از دیر باز خواسته ادیان، قدرت‌های مختلف و متفکرین بوده است [۴]. تئودور لویت (Theodore Levitt) جهانی شدن (globalization) را در سال ۱۹۸۵ برای توصیف تغییرات اقتصاد جهانی مؤثر بر تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری ارائه کرد [۵]. مارشال مک لوهان (۱۹۶۲) از اولین متفکران جهانی شدن با بررسی اثر اجتماعی رسانه‌ها مفهوم دهکده جهانی (global village) را مطرح و آن را در فشرده‌گی زمان و مکان در امور انسانی خلاصه کرد. پیش‌بینی وی این بود که فناوری اطلاعات ایجادکننده ارتباطات است. وی بر این باور بود که با پیشرفت سریع رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون و گسترش روز افزون آن در سراسر دنیا، جهان به مثابه یک دهکده واحد، به جامعه‌ای متحد و یک دست تبدیل خواهد شد که پیشرفت‌های حیرت آور در عرصه فناوری‌های ارتباطات، زمان و فضا را در آن بهم فشرده و آن را به صورت دهکده‌ای الکترونیکی، بدون دغدغه‌های زمانی و مکانی برای انتقال و جابجایی در خواهد آورد [۶].

از اواخر دهه ۸۰ میلادی جهانی شدن (به دلیل تغییر و تحولات در نظام مندی‌های سیاسی کشورها) با شور و حرارت بیشتری دنبال شد [۷]. در حقیقت بعد از فروپاشی شوروری سابق و شکست مارکسیسم در اکثر کشورهای بلوک شرق و ایجاد کشورهای تازه تأسیس (مشترک المنافع) وضعیت ژئوپولیتیکی جهان تغییراتی را به خود دید که در نتیجه آن جهان از حالت دو قطبی سابق خارج شده و مجدداً بحث نظم نوین جهانی و «جهانی شدن» بر سر زبان‌ها افتاد [۸].

روش

در پژوهش حاضر کلیه اسناد و مدارک مرتبط با پدیده جهانی شدن و تربیت دینی در جامعه اسلامی گردآوری و در راستای سؤال‌های پژوهش مورد بررسی واقع شده است. از این رو روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی بوده که در آن سعی می‌شود، اسناد و مدارک موجود مرتبط با موضوع به منظور پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها روش پژوهش را می‌توان توصیفی-تحلیلی نامید زیرا از یک سو در پی توصیف و شناخت شرایط موجود و یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری است (توصیف) و از سوی دیگر در استخراج مفاهیم و کشف خطوط اصلی اندیشه‌های صاحب‌نظران در زمینه جهانی شدن و تربیت دینی است. جامعه پژوهش شامل کلیه منابع و مراجع موجود مرتبط با موضوع مورد بررسی (جهانی شدن و تربیت دینی و تعامل اینها به منظور شناخت چالش‌ها و راهکارها) در جامعه اسلامی می‌باشد، و از آنجا که کلیه منابع و مراجع موجود و مرتبط مورد بررسی واقع شده، نمونه‌گیری انجام نشده است. بعلاوه به منظور گردآوری داده‌ها از فرم گردآوری داده‌ها استفاده شده که داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از تکنیک‌های تحلیل کیفی، طبقه‌بندی و در راستای بررسی سؤال‌های پژوهش تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش

۱. بررسی سؤال اول پژوهش

سؤال اول پژوهش عبارت بود از اینکه «جهانی شدن چیست؟»
در راستای بررسی سؤال پژوهشی مذکور باید اذعان داشت؛ واژه جهانی کردن (Globalize) و جهان شمولی (Globalism) نخستین بار در سال ۱۹۴۴ در کتابی مهجور به کار گرفته شدند ولی جهانی شدن به عنوان لغت، نخستین بار در سال ۱۹۶۱ وارد واژه نامه شد [۱۴]. ورای اقتصادها، فرهنگ و سیاست‌ها جهانی شدن به طور گسترده تبدیل به موضوع مورد علاقه‌ای برای دانشمندان

بخشیده و امکان تحقق تربیت دینی را فراهم سازند. اشکال گوناگونی از تربیت تحریمی در تاریخ ایران جریان داشته است. اولین واکنش مجامع مذهبی، روحانیون و متولیان دینی به نظام تربیتی جدید، تحریم بود. آنان استفاده از مظاهر فرهنگ غرب از جمله مدرسه جدید را تحریم و از رواج اخلاقیات غربی توسط مدارس جدید ابراز نگرانی نمودند. با نظر به خصیصه عصر حاضر و ظهور ارتباطات در شکلی که هر روز گسترده‌تر می‌شود، تقوای پرهیز در برخی قلمروها اساساً ناممکن می‌گردد. فضاهایی که بر ما تحمیل می‌شود، امکان پرهیز را پیشاپیش از ما می‌ستاند [۱۳].

اشتباه است که نتیجه گرفته شود، اگر جهانی شدن اتفاق نیفتاده پس در حال وقوع نیست. ممکن است جهانی شدن با روندی نامتعادل در حال رشد باشد و روندهایی که در خدمات مالی و تا حدی در بخش پژوهش و توسعه به وضوح قابل شناخت و تفکیک هستند در بخش‌های دیگر تا حدی اتفاق افتاده باشند. قدر مسلم آن که در هر صورت ما با فرهنگ جهانی انطباق جامع نداریم بنابر این با برخی چالش‌ها مواجه می‌شویم که باید خود را برای تعامل منطقی با آن آماده کنیم. از مهم‌ترین چالش‌ها در این ارتباط پیامدهای پدیده جهانی شدن بر حوزه تربیت دینی است. از این رو مسئله اساسی در پژوهش حاضر نسبت جهانی شدن با تربیت دینی و راهکارهای تعامل پویا با آن است. در این راستا چهار سؤال پژوهشی ذیل طرح و مورد بررسی واقع شده است:

- ۱- جهانی شدن چیست؟
- ۲- تربیت دینی چیست و آیا می‌توان در عصر جهانی شدن از تربیت دینی، صحبت کرد؟
- ۳- چالش‌های احتمالی جهانی شدن برای تربیت دینی، چیست؟
- ۴- راهکارهای تعامل پویا با چالش‌های مذکور در حوزه تربیت دینی، چیست؟

قضایی، انسان شناس‌ها، جامعه‌شناسان و فیلسوفان شده است [۱۵].

افزایش شرکت‌های بین‌المللی، پیوستگی‌های چند ملیتی و... منجر به پذیرش این موضوع شده که جهانی شدن واقعیت زندگی اقتصادی معاصر است. و اشاره به فشرده‌گی زمان، مکان جهان و تقویت آن به عنوان یک کل است، که نشان‌دهنده فراوانی روزافزون ارتباطات جهانی و درک ما از آنها است که می‌تواند همراه‌کننده باشد [۱۶].

جهانی شدن کشورهای مختلف را به اشکال گوناگون تحت تأثیر قرار داده و فرایندی قوی‌تر از صنعتی شدن، شهرنشینی و مادی‌گرایی است [۱۷]. که در کل و به تدریج موجب از بین رفتن تقسیمات جغرافیایی و اقتصادی ایجاد شده با جنسیت، نژاد، فرهنگ و... شده و سیمای جدیدی از زندگی تعریف می‌کند [۱۸]. با آنکه جهانی شدن از تعاریف بسیاری برخوردار است اما به تعبیر شولت شاید بتوان چند برداشت از آن را از هم متمایز ساخت:

در برداشتی رایج، به معنای بین‌المللی شدن است. از این رو، واژه جهانی فقط صفت دیگری برای توصیف روابط برون مرزی میان کشورهاست. در کاربرد دوم، آزادسازی در نظر گرفته می‌شود که به فرآیند برداشته شدن محدودیت‌ها اطلاق می‌شود. در برداشت سوم، به معنای جهان گسترتری در نظر گرفته می‌شود. که واژه جهانی به معنای سراسر دنیا و جهانی شدن، فرآیند انتشار تجربیات و هدف‌های گوناگون، برای مردم دنیا است. تعریف چهارم، آن را غربی کردن یا نوگرایی می‌داند که سازوکاری است که از طریق آن ساختارهای اجتماعی نوگرایی، در سراسر دنیا گسترش می‌یابند. نگرش پنجم جهانی شدن را مجموعه‌ای از فرآیندها که در برگیرنده دگرگونی در سازمان فضایی روابط اجتماعی است، تعریف کرده که شامل تجدید شکل‌بندی جغرافیایی است به طوری که دیگر فضای اجتماعی کاملاً بر حسب سرزمین‌ها، فاصله‌های ارضی و مرزهای سرزمینی شناسایی نمی‌شوند [۱۹].

در مورد جهانی شدن نظرات متفاوتی وجود دارد. گروهی معتقدند جهانی شدن اندیشه و تفکری است که می‌خواهد فلسفه و هویت غرب را در یک امپراطوری تحت سلطه آمریکا بر جهان تحمیل کند، بنابراین، جهانی شدن به معنای اعمال قدرت و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امریکا است. گروهی نیز جهانی شدن را مرزهای ملی و ایجاد هم بستگی و پیوند بیشتر میان ملت‌ها به منظور برقراری روابط متقابل می‌دانند [۲۰].

به زعم پراتون (Perraton) جهانی شدن فرآیندی از تحول است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگ‌ها را افزون می‌نماید. و پدیده‌ای چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فناوری است [۲۱].

از دیدگاه مک گرو (Mcgreus) جهانی شدن عبارتست از برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد جهانی کنونی می‌انجامد و فرآیندی است که از طریق آن حوادث، تصمیم‌ها و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های کاملاً دور کره زمین داشته باشد [۲۲].

واترز (Waters) جهانی شدن را فرآیندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌گردند [۲۳].

گیدنز و هاتون (Giddens, and Hutton) جهانی شدن را به معنای فشرده‌گی روابط اجتماعی بین‌المللی می‌دانند طوری که رویدادهای محلی در مناطق دور دست تحت تأثیر رویدادهای مناطق دورتر و بالعکس رخ می‌دهند [۲۴].

برخی نیز جهانی شدن را معادل «غرب‌سازی» یا «تجدد» به‌ویژه در شکل آمریکایی آن دانسته‌اند. در این معنا جهانی شدن پوششی است که طی آن ساختارهای اجتماعی مدرنیته (سرمايه داری، عقلگرایی، صنعتی شدن

و...) در سر تا سر جهان گسترش می‌یابد و فرهنگ‌های قدیمی و بومی نابود می‌گردند [۲۵].

جهانی شدن مفاهیم گوناگونی دارد و اتفاق نظری برای تعریفی واحد از این پدیده دیده نمی‌شود زیرا این پدیده هنوز به مرز تکامل نهایی نرسیده و همچنان دستخوش تحول است و با گذشت زمان، ابعاد تازه‌ای از آن مشخص و نمایان می‌شود. اگر چه ارائه تعریفی جامع و مانع از جهانی شدن دشوار است [۲۶]، با این حال جهانی شدن را می‌توان؛ فرآیند فشرده‌گی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورت نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند، تعریف نمود. در مفهومی جامع‌تر نیز، جهانی شدن را می‌توان «فرآیندی اجتماعی که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند» تعریف کرد. بر این اساس می‌توان اذعان داشت؛ مفهوم جهانی شدن هم فشرده شدن جهان و هم به تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد [۲۷].

جهانی شدن یکی از تحولات دوران معاصر است که اثرات شگرفی به جای گذاشته و از پدیده‌های چند بعدی و چالش برانگیز عصر حاضر محسوب می‌شود که در ابعاد مختلف؛ نظام‌های محلی، ملی و منطقه‌ای را متأثر ساخته است. بسیاری آن را محصول برهم خوردن نظم و رابطه سنتی مکان، زمان و فضا می‌دانند و معتقدند از آن جا که فعالیت‌ها و کنش‌های اجتماعی انسان بی واسطه این مختصات امکان‌پذیر نیست؛ هر گونه تغییر و تحول در نظم و رابطه مورد نظر، پیامدها و چالش‌های گسترده‌ای را در عرصه‌های مختلف از جمله تربیت دینی به دنبال خواهد داشت.

۲. بررسی سؤال دوم پژوهش

دومین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه «تربیت دینی چیست و آیا می‌توان در عصر جهانی شدن از تربیت دینی صحبت کرد؟».

در راستای بررسی سؤال پژوهشی مذکور باید اذعان داشت؛ پاسخ به سؤال فوق مستلزم تحلیل مفاهیم تربیت، دین و دینی بودن است که با توجه به این مفاهیم و شرایط زمانی و مکانی و متناسب با نیازهای انسان معاصر تصویری از تربیت دینی را ارائه کنیم به گونه‌ای که ظرفیتی برای حضور مؤثر و متناسب به فضای این عصر داشته باشد.

الف. تربیت: برای تربیت تعاریف مختلفی ارائه شده که هر یک متأثر از مکتب یا رویکردی فلسفی-تربیتی و شرایط فرهنگی حاکم بر نظریه‌پردازی است. در تعریفی ساده و مجمل این تصویر در اذهان شکل می‌گیرد که تربیت ایجاد تغییرات مطلوب در نسل جدید است، اما باید دید این تعریف برای اینکه تربیت را مشخص کند و آن را از شبه تربیت متمایز سازد کافی است؛ پاسخ منفی است زیرا ایجاد تغییرات مطلوب در نسل جدید به روش‌های گوناگونی صورت می‌گیرد که از لحاظ تربیتی همه آنها قابل قبول نیستند. برای شبه تربیت سه مورد؛ عادت، تلقین و تحمیل است.

عادت: عادت بر تکرار استوار است «فرد بدون توجه و آگاهی به تکرار امری می‌پردازد و همین امر خود بخود او را به فراگیری مطلبی خاص یا مهارتی معین قادر می‌نماید. این نوع فراگیری همان‌طور که گفته شد با درک و فهم توأم نیست و فرد تنها در اثر تکرار، امری را به ذهن خود وارد می‌سازد یا مهارتی را کسب می‌کند [۲۸]. در اینجا هر چند توانسته ایم تغییرات مطلوب را ایجاد کنیم، اما با نظر به ویژگی‌های تربیت نمی‌توان آنرا تربیت دانست.

تلقین: بر هیبت استوار است. هنگامی که کسی سخن یا اندیشه‌ای را نه به سبب استواری و معقولیت آن بلکه به دلیل هیبت گوینده می‌پذیرد تن به تلقین داده است [۲۹].

تحمیل: بر زور استوار است. با واداشتن افراد به کاری و مجازات نمودن آنها در صورت تخلف، می‌توان شاهد انجام آن کار توسط آنها بود. تحمیل تربیت نیست بلکه این تصور است که این سه روش بنیان اصلی تربیت هستند [۲۹].

مشخصه چهارم (نقادی) آشکار می‌گردد. «متربی شخصاً به بررسی و انتقاد می‌پردازد و آنچه را منطقی و مستدل تشخیص داد می‌پذیرد» [۲۹]. این ویژگی هم تربیت را از شبه تربیت جدا می‌سازد. در عادت، تلقین و تحمیل چون معیار به دست داده نمی‌شود امکان نقد هم میسر نیست.

ب: دین و تدین؛ به مجموعه گزاره‌های توصیفی و تجویزی که برای اداره امور فردی و اجتماعی انسان‌ها و تأمین سعادت دنیا و آخرت آنها از طرف خدا به انسان داده شده است دین گفته می‌شود. در این پژوهش دین مجموعه‌ای از مطالب است که جنبه توصیفی و تجویزی دارند و باید و نباید در آنها مطرح است. دین پدیده‌ای هماهنگ و هم‌تراز با فطرت انسانی و یکی از علایق کهن بشری است که همیشه به عنوان یک نیاز اساسی در میان انسان‌ها خود نمایی کرده است. یافته‌های دانشمندان گواه این مدعا است که تاریخ زندگی بشر با دین آمیخته است. میترز (۱۷۴۷-۱۸۱۰) نویسنده تاریخ عمومی ادیان معتقد است؛ هرگز قومی بدون دین در دنیا وجود نداشته و دین پدیده‌ای است که آینده بشر با آن همراه و همگام خواهد بود. ارنست رنان (۱۸۲۳-۱۸۹۳) فیلسوف فرانسوی می‌گوید: «ممکن است روزی هر چه را دوست دارم نابود شود و هر چه نزد من لذت بخش و نعمت حیات است از میان برود، یا آزادی به کار بردن عقل، دانش و هنر بیهوده گردد اما محال است علاقه به دین متلاشی یا محو گردد. دین همواره و همیشه باقی خواهد ماند» [۱].

علامه طباطبائی دین را اراده تشریحی شارع می‌داند که از طریق فرستادگان جهت هدایت مردم نازل شده [۳۰]. جوادی آملی دین را مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی می‌داند که برای اداره امور فردی و اجتماعی انسان‌ها و تأمین سعادت دنیا و آخرت آنها تدوین شده است [۳۱]. گرین (Green) دین را مجموعه حقایق هماهنگ از نظام اعتقادی، ارزشی و عبادی می‌داند که برای هدایت و تعالی انسان در قلمرو فردی و اجتماعی وی، توسط رسولان الهی از جانب پروردگار ارسال شده است [۳۲]. پترسون (Maykel pterson) و نیز دین را متشکل از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و

اکنون باید دید که تربیت چیست و وجود چه عناصری در آن لازم است و ایجاد تغییرات مطلوب در نسل جدید در چه صورت تربیت محسوب می‌شود؛ در مقام پاسخ از چهار مؤلفه یا مشخصه برای تربیت می‌توان سخن گفت:

تبیین: مراد از تبیین این است که فرد نسبت به تغییراتی که قرار است در وی ایجاد شود بصیرت و آگاهی یابد از این رو مربی تنها به ایجاد تغییر در رفتار و حالات فرد نپردازد بلکه بینشی در فرد نسبت به تغییرات فراهم آورد. این مؤلفه تربیت را از شبه تربیت تفکیک می‌کند، طوری که در عادت تلقین و تحمیل تنها شرایط را ایجاد می‌کنیم که فرد در معرض کاری قرار گیرد و کار رخ دهد اما لازمه تربیت آن است که منطق تغییر برای فرد روشن شود [۲۸].

معیار: این عنصر بسط تبیین است. در این مؤلفه قواعد کلی در نظر است که اعمال و رفتار را بر حسب آنها می‌سنجیم. این مؤلفه نیز تربیت را از شبه تربیت متمایز می‌سازد. در عادت، تلقین و تحمیل معیار به دست داده نمی‌شود و ضرورتی هم برای این کار وجود ندارد بلکه ممکن است در مواردی حتی اصرار برای مخفی نگه داشتن قواعد و معیارها هم در میان باشد. در تلقین که بر هیئت تلقین‌کننده استوار است، مطلوب آن است که چهره وی همواره در هاله‌ای از ابهام قرار داشته در صورتی که در تربیت، چیزی میان مربی و متربی پنهان نیست، معیارها به صورت متقابل بیان و تبیین می‌شود و فرد از آنها اطلاع پیدا می‌کند، ارائه معیارها بخشی از کار تربیت است [۲۸].

تحرك درونی: در عادت، تلقین و تحمیل به وضوح مشخص است که موتور حرکت در بیرون از فرد قرار دارد و او به ظرفی تو خالی شبیه است که قرار است چیزی در آن ریخته شود در مقابل تربیت فرآیندی است که در آن فرد انگیزه‌های عمل خود را خود به خود به طور روشن و باز ملاحظه می‌کند [۲۹].

نقادی: هنگامی که تربیت مستلزم تبیین، به دست دادن معیارها و حرکت درونی باشد به طور طبیعی

انتخاب بارز است، التزام درونی متضمن انتخاب نسبت به چیزی و پایبندی نسبت به آن است. یکی از لوازم متدین شدن، ظهور و بروز این بعد در درون انسان است یعنی خود باید نسبت به خدا و آنچه خدا از او می‌خواهد ایمان بیاورد. فرد اگر این التزام قلبی و درونی را نسبت به خدا نداشته باشد، یعنی ایمان بر او حاصل نشده باشد، نمی‌توانیم صفت دینی بودن را بر او اطلاق کنیم.

عمل: آخرین مؤلفه تدین عمل است یعنی اینکه فرد متدین کسی است که به اقتضای اعتقادات و ایمان به خدا اقدام به انجام عملی کند. تکرار «الذین آمنوا و عملوا...» در آیات فراوانی از قرآن نشان می‌دهد که لازم است فرد دیندار اعمال خاصی را انجام دهد و این اعمال مضمون همان گزاره‌های تجویزی هستند که اسم دیگرشان «احکام» است و فرد باید احکام دین را در اعمال خود آشکار کند و اعمال خود را تابع این اعمال قرار دهد.

تربیت دینی بر پایه تعلیم استوار است. فرایند مدار است و امری است که تدریجی اتفاق می‌افتد، رشد و پویایی دارد، بسیار تحولگراست، و با ارزشیابی کمی قابل اندازه‌گیری نیست. اگر تلاش ما بر این قرار گیرد که از طریق روح حاکم بر کلیه برنامه‌های رسمی و غیررسمی تربیت، تزکیه و تأدیب، صورت گیرد و مفاهیم نظری به صورت «رفتار دینی» درآید، می‌توانیم ادعا کنیم که «تربیت دینی» تا حد زیادی تحقق پیدا کرده است. این نوع تربیت زمانی محقق می‌شود که نوجوان و جوان در مرحله تأدیب به مفهوم حسن خلق و تخلق به اخلاق حسنه، رسیده باشد یعنی آنچه قرآن به عنوان اسوه حسنه وجود مبارک پیامبر (ص) معرفی می‌کند باید الگوی متربی ما قرار گیرد. آنچه که با توجه به مقتضیات زمان در تربیت دینی باید مطرح نظر قرار گیرد، اصلاحات در روش‌های تربیت دینی است. مدیران مراکز آموزشی با توجه به تفاوت‌های فردی، اصل زیبایی‌شناسی و ابراز هنر را خصوصاً در غنی‌سازی اوقات فراغت و فوق برنامه لحاظ و عمدتاً به مراحل رشد کودکان و نوجوانان در گروه‌های سنی پیش از دبستان، دبستان و راهنمایی توجه کنند [۳۴].

احساسات (فردی و جمعی) می‌دانند که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است [۳۳].

تدین ناظر به دگرگونی‌هایی است که این امر در وجود فرد ایجاد می‌کند. مسئله این است که اگر قرار باشد فردی متدین شود، چه تغییراتی باید در وی رخ دهد. چهار مؤلفه اساسی در تدین قابل ملاحظه است که عبارتند از:

اعتقادی و فکری: یکی از دگرگونی‌های عمده و اساسی که در تدین باید در فرد رخ دهد این است که در وی اعتقادات خاصی نسبت به گزاره‌های توصیفی که از طرف خدا به انسان داده شده ایجاد شود و اگر این اعتقاد ایجاد شد می‌گوییم فرد دینی شده است. در این مؤلفه ملاحظات روشی نهفته است، یعنی پیدا شدن این اعتقادات در فرد باید به صورتی انجام شود که وی آنها را فهمیده باشد و با روشن بینی عقلانی نسبت به آنها متقاعد شده باشد.

تجربه درونی: در این مؤلفه، عنصر عاطفه بروز و ظهور چشم‌گیری دارد. و حکایت از التهاب و هیجان‌های درونی انسان دارد. شخصی که دیندار می‌شود لازم است یک رشته هیجان‌های درونی را تجربه کند که به طور غالب در ارتباط با مبدأ جهان ظهور می‌کند. مفاهیمی چون: خوف، توکل، دعا که در ادیان مختلف وجود دارد، ناظر به این تجربیات درونی است. در این رابطه شلایر ماکر ادعا کرد که تجربه دینی تجربه عقلی و معرفتی نیست بلکه احساس اتکای مطلق و یکپارچه به مبدأ یا قدرتی متمایز از جهان است. این تجربه، تجربه‌ای شهودی است که اعتبارش قائم به خود است و مستقل از مفاهیم و تصورات، اعتقادات یا اعمال می‌باشد. چون این تجربه نوعی احساس است و از حد تمایزات مفهومی فراتر می‌رود بنابراین نمی‌توانیم آن را توصیف کنیم چون تجربه حسی و عاطفی است نه معرفتی [۳۳].

التزام درونی: تفاوت التزام درونی با تجربه درونی در این است که عنصر عاطفه و هیجان در تجربه درونی حضور و بروز چشمگیری دارد اما در التزام عنصر

صنعت ارتباطات جهانی است که منشأ تغییرات ساختاری در مفهوم جامعه شده و فراملی کردن فرهنگها و تغییر در مفهوم عمومیت را در حوزه عمومی و فضای مذهبی به دنبال داشته است.

با توجه به آنچه گفته شد، می توان چنین استدلال کرد که گفته های آن دسته از نظریه های جهانی شدن که قایل به نقش حاشیه ای و یا حذف دین در عصر جهانی شدن هستند، چندان مطابق واقع نمی شود. جهانی شدن و مذهب ارتباط تنگاتنگ دارند. در نظریه جهانی شدن، رستاخیز مذهبی تجلی مهمی از یک دنیای متحد است.

از طرفی عده ای بر این باورند جهانی شدن هیچگونه تضییق و تهدیدی جهت دین زدایی نیست و حتی جهانی شدن دین را نیز در بازار جهانی اندیشه قرار می دهد. از این رو فرصت برای دین و تربیت دینی پدید می آورد. فرصت از این لحاظ که دین و تربیت دینی می توانند با تکیه بر تکنولوژی ارتباطات بر تعداد مخاطبان خود بیفزایند.

در عصر جهانی شدن، انفجار اطلاعات و ارتباطات ملی و بین المللی نه تنها دین را به حاشیه نرانده است، بلکه آن را در متن دغدغه های روحی بشر معاصر قرار داده [۳۶]. و انسان معاصر بیش از هر زمان دیگر به دین و آموزه های دینی احساس نیاز می کند. انسان و دین دو همزاد هستند و نهاد دین به قدمت حیات انسانی پیشینه دارد. بر پایه این واقعیت عینی و مفروض است که تعریف انسان از موجودی اندیشه گر یا سیاست ورز به موجودی دین ورز موجه تر می نماید و طرفداران بیشتری در میان جامعه شناسان و روان شناسان دارد. که نشان دهنده این موضوع است که نه تنها تربیت دینی در صحنه جهانی حذف نمی شود بلکه شرایط و زمینه مساعدی برای آن فراهم می شود.

تربیت دینی در مفهوم اصیل آن، به این معنا است که تدین، در ارتباطی از نوع تربیت در فرد شکل می گیرد، به عبارت دیگر مؤلفه های تدین باید در بستر تبیین، عرضه معیارها، تحرک درونی و نقادی جریان یابد و به نظر می رسد که تربیت دینی باید با همین ویژگی های اصلی

ج: تربیت دینی؛ پس از آشنایی با مفاهیم تربیت، دین و تدین به بررسی و تحلیل تربیت دینی در عصر جهانی شدن پرداخته شده و متوجه شدیم امروزه در نوشته های غربی در باب تربیت دینی، مفاهیم تربیت دینی و تربیت اخلاقی بحث القاء و تلقین ارزش را تداعی می کنند. و متقابلاً هر جا سخنی از تحمیل و القاء ارزش به میان می آید، ذهن خواننده را به بحث تربیت دینی و اخلاقی سوق می دهد. گویا فرض بر این است که تربیت دینی به جز از طریق القاء کورکورانه میسر نیست و از آنجا که این القاء عادلانه و غیر صحیح است، پس باید تربیت دینی را متوقف ساخت.

تربیت دینی به مفهوم فراگیر آن به معنای آموزش و پرورش دینی است و می تواند کلیدی ترین نقش را در توسعه معنوی و کمال جامعه دینی ایفا نماید. هرگونه کاستی و کوتاهی در این امر، موجب بروز اختلالات و ناهنجاری های جبران ناپذیری در پرورش نسل نوین جامعه می شود از این رو برای اصلاح جامعه و پیشگیری از انحرافات اجتماعی لازم است فرایند تربیت در اندیشه دینی، شناسایی شود.

اگر بپذیریم که دیر یا زود باید به پیشسواز جهانی واحد و یکپارچه که با گسترش رسانه های جمعی و فروریختن مرزهای فیزیکی و جغرافیایی به دهکده ای مبدل شده که بدون دغدغه زمانی و مکانی می توان ابعاد محدود آنرا در نوردید، برویم؛ خواه ناخواه با سؤالاتی مواجه خواهیم شد که طراحی پاسخ های مناسب برای آنها، کشورهای دنیا را در جهت سازگاری با فضای واحد جهانی کمک خواهند کرد. از مهم ترین این سؤالات با توجه به اینکه تعلیم و تربیت در جامعه ما از دیر باز با آموزه های دینی آمیخته بوده و اکنون در سطحی گسترده و عمیق متأثر از آن می باشد [۳۵] این است که آیا در عصر جهانی شدن با توجه به پیامدهای می توان از تربیت دینی صحبت کرد؟

جهانی شدن، مفهوم رایجی است که علاوه بر عرصه اقتصادی در سیاست، اخلاق، تعلیم و تربیت و... مورد استفاده قرار می گیرد و فرآیندی است که محصول

خود در عصر جهانی شدن جلوه گر شود. پیراستن تربیت دینی از تلاش‌های شبه تربیتی یا بد فهمی ما از دین امکان توفیق تربیت دینی را در برابر چالش جهانی شدن فراهم می‌آورد.

۳. بررسی سؤال سوم پژوهش

سومین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه «چالش‌های احتمالی جهانی شدن برای تربیت دینی چیست؟».

اگر تعاریف فوق از جهانی شدن را بپذیریم، متوجه خواهیم شد که این پدیده چالش‌های عمده‌ای را برای جوامع از جمله جوامع دینی-اسلامی در ابعاد مختلف ایجاد می‌کند زیرا جهانی شدن به مفهوم گسترش اقتصاد، فرهنگ و سیاست آمریکایی در پهنه جهان است. از این رو جهانی شدن با هدف تضعیف حاکمیت و اقتدار کشورها و از بین بردن واحدها یا کشورهای کوچک، و استحاله یا ادغام آنها در جهان غرب به کار گرفته شده است. به عبارت دیگر جهانی شدن، رقابت بی قید و شرط در سطح جهان است که برای کشورهای غنی، درآمد بیشتر و برای کشورهای فقیر، فقر بیشتر به همراه می‌آورد. گر چه هنوز این مفهوم ریشه در اقتصاد دارد، اما اصطلاحی است که به سایر بخش‌ها گسترش یافته و برای تغییرات فرهنگی و سیاسی که به روش‌های مختلف بر بخش‌های مختلف زندگی تأثیر می‌گذارد به کار می‌رود [۳۷]. غالب اندرکاران تعلیم و تربیت هم پذیرفته‌اند که مسائل مرتبط با جهانی شدن بر فعالیت‌های آنها اثرگذار است [۳۸].

جهانی شدن دارای آثار و پیامدهای سوئی هست که برخی از آنها در تربیت دینی برجستگی خاصی دارند، از جمله اینکه؛ با توجه به آسان بودن ارتباط بین کشورها و فرهنگ‌ها و انعطاف در جابه‌جایی نیروی کار، علاوه بر جنبه‌های مثبت فرهنگی ضد ارزش‌ها نیز به جوامع دیگر، منتقل خواهند شد [۳۹]. با ظهور رسانه‌های پیشرفته و تکنولوژی مدرن همچون ماهواره، رایانه و غیره که همگی نقش آموزشی و تربیتی نیز دارا هستند میزان کنترل مدارس بر آموخته‌ها، کیفیت و

جهت‌گیری‌های آموزشی و تربیتی کاهش خواهد یافت از سوی دیگر کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت که خود محصول ظهور و غلبه تکنولوژی‌های جدید آموزشی است نیز از پیامدهای این مواجهه است [۲].

آزادسازی تجارت، سرمایه، پول و به طور کلی اقتصاد شعار اساسی جهانی شدن است. دیوید هلد و تونی مک گرو (۲۰۰۱) از فرایند آزادسازی تجارت به عنوان تحولی بنیادین که نشأت گرفته از مقتضیات خاص تاریخی عصر جهانی شدن است یاد کرده و آن را یکی از تبعات طبیعی فرایند ناگزیر جهانی شدن بر می‌شمرند. در ارتباط با نتایج چنین فرایندی دو دیدگاه بدبینانه که جهانی شدن اقتصاد را یک شعار ایدئولوژیک و همراه‌کننده می‌دانند که از جانب کشورهای سرمایه داری پیشرفته مطرح می‌شود و نتیجه آن افزایش شکاف‌های اقتصادی بین شمال و جنوب در سطح بین‌المللی و ثروتمندان و فقرا در سطح ملی کشورهاست می‌دانند و خوش بینانه که طرفداران آن استدلال می‌کنند که این فرایند در دراز مدت باعث بهره‌گیری همه مردم از فرصت‌های ناشی از آن شده و نتیجه آن افزایش سطح رفاه و بهبودی امور معیشتی همگان می‌باشد [۴۰]. از نظر اقتصادی، «جهانی شدن» باعث فقر بیشتر تهیدستان و بیکاران می‌شود و در مقابل به گسترش و رفاه ثروتمندان خواهد انجامید و از این رهگذر، بنیان خانواده‌ها سست شده، به فروپاشیدگی خواهند انجامید [۴۱]. در عین حال مصرف‌گرایی و مدپرستی و شیء پرستی که توسط تجارت آزاد و جهانی افزایش یافته تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگی انسان را عمیقاً تضعیف می‌کند [۴۲].

از نظر مذهبی، امروزه مذاهب بزرگ دریافته‌اند که روند جهانی شدن که تحت حمایت و هدایت آمریکا صورت می‌گیرد، پیوند نزدیکی با جریان دنیاگرایی و دین‌زدایی دارد و تهدیدی برای کشورها است [۳۹]. تأکید بر جهت‌گیری سکولار و غیر دینی به دلیل تهی شدن جامعه از معنویت [۴۲] به واسطه پیوند ذاتی و جدایی‌ناپذیر روند جهانی شدن با روند سکولاریزاسیون

کنند، و توصیه شان این است که؛ مرزها را بردارید، دیوارها را جمع کنید و دلار را برگزینید. از نظر سیاسی نیز تأکید بر آموزش غیر بومی و جهانی و کم رنگ شدن ویژگی‌های بومی و به مخاطره افتادن هویت ملی و ارزش‌های دینی در برنامه‌های درسی مشهود خواهد بود [۴۲].

علاوه بر آنچه بیان شد می‌توان اذعان داشت جهانی شدن چالش‌های دیگری برای تربیت دینی ایجاد می‌کند که مهم‌ترین و بنیادی‌ترین آنها خصیصه ساخت شکنی آن است که در اثر آن ساختارهای عینی و مفهومی‌ای که تاکنون به آنها اشاره کردیم، در برابر موج ساخت شکنی انقلاب ارتباطات متزلزل می‌گردند در نتیجه نظام تربیت دینی نیز در معرض تزلزل قرار خواهد گرفت. از جمله ساختارهای واقعی و مفهومی متقابل که برای تربیت دینی و اخلاقی اهمیت داشته‌اند می‌توان از ساختارهای دور/نزدیک و ممنوع/مجاز نام برد.

الف) ساختار «دور/نزدیک»: در مورد تقابل مکانی است و این ساختار از نظر تربیتی به ویژه تربیت دینی مهم بوده است زیرا تلاش‌های تربیتی بر آن بوده تا با دور کردن افراد از محیط‌های نامطلوب آنان را مصونیت بخشند و امکان تحقق تربیت را فراهم آوردند اما در عصر ارتباطات این تقابل از بین می‌رود و با شکستن این ساختار دیگر تقابل میان دور و نزدیک وجود نخواهد داشت زیرا دیگر فاصله‌های مکانی مانع دسترسی نیستند.

ب) ساختار «ممنوع/مجاز»: در معرض این ساخت شکنی واقع شده است. این ساختار نیز تاکنون از لحاظ تربیتی مهم بوده است. در گذشته پدران و مادران به بچه‌ها اجازه نمی‌دادند صحنه‌های خشونت‌آمیز با غیر اخلاقی را مشاهده کنند، اما پا به پای رشد و توسعه وسایل ارتباطی، استحکام این ساختار رو به ضعف گذاشته است.

شکسته شدن مرزها و ساخت‌های تقابلی مذکور با توجه به مباحث اخلاقی و دینی بسیار مهم است. زیرا تربیت دینی و اخلاقی به طور جدی، با حدود و مرزها سر و کار دارد و اگر مرزی وجود نداشته باشد آدمی

و پیامد تسلط غرب بر دیگر ملل و هم‌چنین سکولاری شدن اجتماعی جوامع محلی، نظام‌های تربیتی محلی نیز نوعی ماهیت سکولار خواهند یافت [۴۳] به علاوه تضعیف نقش دین در زندگی روزمره و اداره جامعه [۴۲] نیز از پیامدهای منفی و چالش مذهبی و دین جهانی شدن است. تحمیل سکولاریسم (دنیاگرایی) بر جوامع مختلف که طی آن دین و تربیت دینی رنگ خود را از دست می‌دهد [۴۴] آثار شاخص پدیده مذکور است.

جهانی شدن سعادت بشری را با مفهوم قرارداد اجتماعی به عنوان مبنای اساسی لیبرالیسم پیوند می‌زند در حالی که سعادت فرد و جمع از نظر اسلام در چارچوب ارزش و هنجارهای دینی مورد توجه قرار می‌گیرد. هم‌چنین با ترویج نظام ارزشی خاص، این مقوله دین را به چالش و می‌دارد و تهدیدی از این جنبه متوجه تربیت دینی است [۴۳].

از نظر فرهنگی، آمریکایی شدن (فرهنگ آمریکایی)، گسترش یافته و حرکات، سکانات و رفتارها با تبلیغات، جهت دهی می‌شوند، فرهنگ آمریکایی نگاه تک بعدی (مادی‌گرایانه) به انسان دارد بنابراین در حوزه رهبری فرهنگ آمریکایی، همه تجزیه و تحلیل‌ها در حیطه مادی صورت می‌گیرد و دل مشغولی‌ها محدود به بهینه‌سازی و بهره‌وری این دنیایی خواهد شد [۲۶]. فرهنگ زدگی جایگزین فرهنگ پذیری خواهد شد زیرا در فرهنگ زدگی، امکان‌گزینش از بین می‌رود [۴۴] و امکان نفوذ ارزش‌های سایر جوامع (خوب یا بد) وجود دارد. به واسطه اجرای اهداف فرهنگی مبتنی بر ایده‌های امپریالیستی، نظام تربیتی فاقد خصیصه نظارت و داوری سیاسی، اخلاقی ملی و محلی خواهد شد [۲]. از دیگر آثار و پیامدهای جهانی شدن، غربی‌سازی فرهنگی است. در جهانی‌سازی غرب به دنبال غربی‌سازی فرهنگ جهانی و ایران است. جهانی‌سازان غربی القا می‌کنند پیروی از فرهنگ غرب، تنها راه نجات با دستیابی به توسعه است و از ایرانیان می‌خواهند در زندگی شخصی و اجتماعی از آداب غربی استفاده

در راستای بررسی سؤال فوق باید کوشید به برخی راهکارها که در قالب تربیت دینی قابل اعمال بوده و تربیت دینی در صورت برخورداری از آنها می‌تواند با پدیده جهانی شدن به همزیستی مسالمت آمیزی دست یابد، ارائه شود.

تعداد راهبردهای مقابله پویا با پدیده جهانی شدن به‌ویژه در بعد تربیت دینی با جهانی شدن و جهانی‌سازی، به گرایش‌ها، سلاقی و موقعیت‌های زمانی بر می‌گردد. به علاوه تعداد راهبردها نشان‌دهنده تنوع تاکتیک‌ها در مواجهه پویا با جهانی شدن است. با توجه به چالش‌هایی که از قبل مطرح شد هر کدام از راهبردهای ذیل در نوع خود می‌تواند برای یک یا چند نوع از چالش‌ها بیشتر راهگشا باشد که در فرایند بحث به کاربرد هر یک از راهبردها در مواجهه یا مقابله پویا و منطقی با چالش‌ها پرداخته خواهد شد.

۱. کاربرد اصل تعقل و پرهیز از سطحی‌نگری: از نظر اسلام انسان رشد یافته کسی است که اهل فکر و تشخیص باشد و اگر انسان فکر و اندیشه خود را به طرز صحیحی به کار گیرد و هدف او تنها درک حقیقت باشد، می‌تواند راه رستگاری را از سبیل گمراهی تشخیص دهد و به همین دلیل است که در قرآن آمده است (لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی) (بقره ۲۵۶) در پذیرش دین هیچ اجباری نیست و به تحقیق هدایت از گمراهی مشخص شده است. اگر خوب به این آیه دقت کنیم نکته‌ای در آن نهفته است و آن اینکه عامل اصلی انحراف و گمراهی انسان‌ها، به کار نگرفتن فکر و اندیشه یا سطحی‌نگری است.

اکنون به دو مورد از آثار سطحی‌نگری اشاره می‌کنیم تا ضرورت بکارگیری تفکر عقلانی و منطقی بهتر مشخص شود. اولین اثر سطحی‌نگری این است که اگر ما مسلمانان به افکار و معلومات سطحی بسنده کنیم برداشت ما از تعالیم دینی، سطحی و آمیخته با خرافات و بدعت‌ها خواهد بود. لازمه دستیابی به فرهنگ اصیل اسلامی، داشتن رشد فکری و پرهیز از هرگونه سطحی‌نگری است. دومین اثر این است که انسان در

می‌تواند به هر کاری مبادرت ورزد و در این صورت سخن گفتن از تربیت دینی و اخلاقی میسر نخواهد بود. اخلاق همیشه با باید و نبایدها سر و کار دارد و در تربیت دینی واژه‌های واجب و حرام واژه‌های اساسی هستند. بدین منوال تربیت دینی و اخلاقی با مرزها و حدود سروکار دارند. در اینجا است که با این چالش روبرو می‌شویم. آیا در عصر ارتباطات با نظر به خصیصه ساخت‌شکنی آن، می‌توان هم‌چنان از تربیت دینی و اخلاقی صحبت کرد البته که پاسخ سؤال مثبت است [۲۸].

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان مهم‌ترین پیامدها و اثرات منفی جهانی شدن و جهانی‌سازی با تمرکز بر تربیت دینی را؛ تضعیف حاکمیت و اقتدار کشورها، افزایش شکاف‌های اقتصادی بین شمال و جنوب در سطح بین‌المللی و ثروتمندان و فقرا در سطح ملی، کاهش میزان کنترل مدارس بر آموخته‌ها، تضعیف تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگ انسانی در اثر رواج مصرف‌گرایی و مدپرستی و شیء پرستی، رواج جریان دنیاگرایی و دین‌زدایی، تأکید بر جهت‌گیری غیر دینی به دلیل تهی شدن جامعه از معنویت و تحمیل آن بر جوامع مختلف، تضعیف نقش دین در زندگی روزمره، ترویج نظام ارزشی خاص متکی بر قرار داد اجتماعی، نگاه تک بعدی یا مادی گرایانه‌ای به انسان، جهت دهی و محدود شدن دل مشغولی‌ها به بهره‌وری دنیای مادی، جایگزینی فرهنگ زدگی به جای فرهنگ‌پذیری، نفوذ ارزش‌های سایر جوامع، از بین رفتن خصیصه نظارت و داوری سیاسی، اخلاقی ملی و محلی در نظام تربیتی، تأکید بر آموزش‌های غیر بومی و کم‌رنگ شدن ویژگی‌های بومی و خصیصه ساخت‌شکنی بیان کرد.

۴. بررسی سؤال چهارم پژوهش

چهارمین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه «راهکارهای تعامل پویا با چالش‌های مذکور در حوزه تربیت دینی چیست؟».

برابر افکار مخالف آسیب پذیر می‌شود. اگر چنین روشی در بین افراد یک ملت گسترش پیدا کند سبب می‌شود آنها در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانگان بزودی از پا در آید و گرفتار از خود بیگانگی فرهنگی شود زیرا نمی‌تواند به ارزش آنچه خود در اختیار دارد پی ببرد. چنین ملتی همواره با نوعی بی‌اعتمادی به خود می‌نگرند و در برابر دیگران به ورطه خودباختگی فرو می‌افتند و این بزرگ‌ترین خطری است که ملت‌ها و اقوام را تهدید می‌کند. از این رو، روی آوردن به تفکرات درست و منطقی در میان افراد یک ملت، بزرگترین سد دفاعی در برابر کسانی است که قصد به اسارت کشیدن آنها را دارند [۴۵]. اینجاست که اهمیت اصل تعقل و تفهم آشکار شود و از آنجایی که تعلیم و تربیت نیز تعهد به عقلانیت است بنابراین تربیت دینی نیز در این عصر باید بیش از هر زمان دیگر چهره عقلانی داشته باشد و از سطحی‌نگری پرهیز کند [۲۸]. زیرا در عصر ارتباطات، مبادله اطلاعات و نظرگاههای مختلف به آسانی صورت می‌پذیرد و حاصل آن می‌تواند بروز سؤاها و تردیدهای فراوان در حجیت و اعتبار دین باشد و در چنین ورطه‌ای، دین ورزی و تربیت دینی هنگامی دوام می‌آورد که موجه و مدلل باشد نه آنکه امری سلیقه‌ای تلقی شود. توجه به عقلانیت، به‌ویژه برای کسانی که می‌کوشند عبودیت را بنیاد دین معرفی کنند، به این تعبیر که دین و تربیت دینی، بر قبول بی‌چون و چرا استوار است سوء تعبیری از دین و عبودیت است. عبودیت صرفاً پذیرش دین صوری نیست و پذیرش دین مستلزم فهم و عقلانیت است هنگامی که کسی امری را معقول یافت، اگر بخواهد عاقل بماند باید از آن تبعیت کند به این معنی که تبعیت از امر معقول، معقول است. بنابر این عبودیت، نه در برابر عقلانیت، بلکه در برگیرنده آن است. تربیت دینی در تمام حالات خود چه هنگامی که معطوف به اعتقادات و چه وقتی که معطوف به عبادات و احکام است جنبه عقلانی دارد. حضور عقلانیت در اعتقادات کاملاً برجسته است. اعتقادات که سنگ بنای

تدین نیز محسوب می‌شود موجه و مدلل یافتن آنها ضروری و لازم است و نمی‌توان آنرا به افراد تحمیل کرد و هم‌چنین تقلید در اصول دین باطل است و رسیدن به یقین در آنها واجب است. این موضوع نشان می‌دهد که گذرنامه ورودی به اردوی موحدان، تحقیق و تفکر است و بدون آن نمی‌توان به این اردو وارد شد. در اصول اعتقادی عقلانیت کاملاً روشن است و مربی در تربیت دینی باید اصول بنیادی دین را بر پشتوانه عقلانی تکیه دهد و البته در عصر ارتباطات کار ساده‌ای نیست. این عصر، سؤال‌های خاص خود را در برابر اعتقادات دینی نهاده است. اندیشه‌های مربوط به کثرت‌گرایی، پست مدرنیسم و نظیر آن، اعتقادات دینی را به گونه‌ای متفاوت با گذشته در برابر سؤال قرار می‌دهند. تربیت دینی مستلزم آن است که اعتقادات دینی در برابر این سؤال‌ها چهره‌ای عقلانی و مدلل داشته باشد تا بتواند در عصر ارتباطات موفق باشد در عبادات و احکام نیز جنبه عقلانیت کاملاً آشکار است [۲۸].

یکی از مؤلفه‌های تربیت دینی در عصر حاضر عقلانیت است چون که توجه به عقلانی بودن دستورهای دینی، پویایی ویژه‌ای را به آنها می‌دهد و آنها را برای هر عصری منعطف می‌سازد، زیرا دستور عقلی کهنه شدنی نیست. جهانی شدن همه محدودیت‌ها و مرزها را در بر نداشته است. برای مثال نمی‌تواند قاعده‌های اساسی منطق، اخلاق و آرمان را که شالوده خردورزی است نقض کند. زیرا دستور عقلی اختصاص به زمان و مکان محدود ندارد. چه در دوره جهانی شدن و چه در دوره پیشامدرن، عقل حکم واحد می‌کند و برای هر دو دوره دستور یکسان دارد [۴۵]. بنابراین تربیت دینی در صورتی می‌تواند در عصر حاضر دوام آورد که چهره کاملاً عقلانی داشته باشد.

همان‌طور که در بحث از چالش‌ها اشاره شد، یکی از پیامدهای جهانی شدن تأکید بر جهت‌گیری سکولار و غیر دینی به دلیل تهی شدن جامعه از معنویت و تحمیل آن بر جوامع مختلف است. حال این سؤال مطرح می‌شود که در جوامع امروزی که از هر طرف توسط انواع و

هم آهنگ با نظام حکیمانه خلقت و بر وفق قانون آفرینش است. چنین تربیتی بهترین و پایدارترین تربیت‌ها است و می‌تواند جوانان را به شایستگی بسازد و موجبات خوش بختی و سعادت آنان را فراهم سازد [۴۶].

در آیین مقدس اسلام، برنامه تربیت نسل جوان، بر اساس احیای تمام تمایلات فطری و هدایت خواهش‌های طبیعی استوار است. به عقیده روان‌شناسان، دوران جوانی و بلوغ، دوره بروز احساسات مذهبی و شکفته شدن تمایلات ایمانی و اخلاقی است. جوانان از هر ملت و نژادی، به طور فطری، خواهان معرفت الهی و سجایای اخلاقی اند. این خواهش عمیق طبیعی باعث شده که دانشمندان روان‌شناس، دوران بلوغ و جوانی را سنین ماورای طبیعی بنامند و در مباحث روان‌شناسی جوان مستقلاً درباره آن گفت و گو کنند. حتی کودکانی که در خانواده‌های دور از مذهب و ایمان پرورش یافته‌اند، در دوران بلوغ علاقه بیش تری از خود نسبت به مسائل مذهبی نشان می‌دهند اما متأسفانه از آن جا که بشر به مصداق کلام علی (ع): «لاتری الجاهل الا مفرطاً أو مفرطاً»، همیشه در برداشت و استنباط‌ها و در نتیجه در عمل کردن‌ها گرفتار افراط و تفریط‌ها یا تندوری و کندروی‌ها هستیم و در این وادی نیز بسیاری به خطا رفته‌اند [۴۷]. اگر ما هدف از تربیت دینی را حضور بخشیدن به قرآن و سیره معصومین (ع) در متن زندگی نوجوان و جوان بدانیم، قرائت و تلقی از تربیت دینی، فقط حفظ کردن دروس، آموزش دین، مناسک، نماز و قرآن نخواهد بود و نگاه ما از جنبه صرف «یادگیری» به بُعد تربیتی یعنی به ادراک و شعور رساندن و هم‌چنین نشان دادن حقایق، تغییر خواهد کرد.

۴. مهرورزی و محبت: روان‌شناسان معتقدند که کودکان به موازات نیازهای زیستی به ویژه در سنین نخستین، نیازمند ارتباطات عاطفی و پذیرش از جانب دیگران هستند که برآورده کردن این نیازها، موجب بستر سازی آرامش و تعادل روانی و دستیابی به برخی بالندگی‌های روانی است. آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین، الگوگیری در مهرورزی

اقسام رسانه‌های تبلیغاتی، شبکه‌های جهانی اینترنت، ماهواره و... محاصره شده است چگونه می‌توان در عین حفظ موقعیت و همگامی با پیشرفت‌های برق‌آسایی که صورت می‌گیرد در جهت حفظ و در عین حال گسترش و شکوفائی تربیت دینی در نسل حاضر اقدام نمود، چنین به نظر می‌رسد که راهکار فوق در این زمینه از آن جهت که با حفظ یکسری اصول اساسی طرفدار و در واقع راهنمای عملی برای رد یا تأیید عقیده، ایده، تفکر یا... است و فرد را در جهت پذیرش یا رد آن با دلیل و برهان ترغیب و تشویق می‌کند می‌تواند راهگشا باشد.

۲. توجه به ظرافت و ریزه کاری‌های تربیت فرزندان: در این زمینه می‌توان اذعان داشت که؛ هنگام به کارگیری روش‌های تربیتی بکوشیم که فقط به پیامدهای فوری و ظاهری آنها بسنده نکنیم. برخی از روش‌ها، پیامدهای پنهان و ماندگار دارند که هیچ‌گاه از فضای روانی حذف نمی‌شوند، ضمناً باید توجه داشت که بسیاری از روش‌های نادرست تربیتی، دستاوردهای انتقال یافته از گذشتگان است. از این رو لازم است، عادت‌ها، باورها و آموخته‌های پیشین، مورد کنکاش علمی قرار گیرند تا از این راه روش‌های نادرست، از قلمرو مسائل تربیتی خارج شوند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: نسل جدید برای عصر جدید خلق شده است بنابراین، نمی‌توان همه عادت‌های گذشتگان را کامل و به طور دقیق به آنان منتقل کرد بلکه باید روش‌هایی که منحصر به زمان گذشته بود، دگرگون کرد.

۳. شناختن تمایلات و تمنیات فطری نسل جوان و پرهیز از افراط و تفریط: شناختن تمایلات طبیعی و تمنیات فطری جوانان و ارضای صحیح و معتدل هر یک از آن تمایلات، اساسی ترین پایه تربیت نسل جوان است. مربی لایق کسی است که ابتدا ساختمان طبیعی جوانان را مورد مطالعه دقیق قرار دهد و با بررسی کامل و همه جانبه، تمام خواهش‌های درون آنان را بشناسد و سپس هر کدام را در جای خود و با اندازه گیری صحیح و عاقلانه ارضاء نماید. چنین تربیتی

سخن بگوید، از «یا بُنی» استفاده می‌کرد که حاکی از مهرآمیز بودن و نشان دادن مهر درونی به فرزندان بود.

در مورد سه راهکار فوق یعنی؛ توجه به ظرافت و ریزه کاری‌های تربیت فرزندان، شناختن تمایلات و تمنیات فطری نسل جوان (پرهیز از افراط و تفریط) و محبت ورزی از آنجا که همه آنها یک خط سیر کلی را دنبال می‌کنند می‌توان اذعان داشت مواردی چون؛ کاهش میزان کنترل مدارس بر آموخته‌ها، کیفیت و جهت‌گیری‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان، کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت، اخلاقی ملی و محلی در نظام تربیتی، تأکید بر آموزش‌های غیر بومی و جهانی و کم رنگ شدن ویژگی‌های بومی و به مخاطره افتادن هویت ملی و ارزش‌های دینی در برنامه‌های درسی مدارس از عمده چالش‌هایی هستند که با کمی تعمق و تأمل در راهکارهای فوق بواسطه حضور این راهکارها نه تنها قابل اصلاح و جبران هستند، بلکه با توجه به این ارزش‌ها و راهکارهای اساسی می‌توان در جهت واکنش نمودن تربیت فرزندان گام‌هایی به مراتب بلند برداشت، برای اثبات این مدعا کافی است نگاهی اجمالی به سیره عملی پیامبران الهی بندازیم و ببینیم که چگونه با استفاده از روش‌های محبت‌آمیز و در عین حال ارزش و اهمیت قائل شدن برای نسل جوان انقلاب‌هایی عظیم در ظاهر و باطن آنها به وجود آورده‌اند که آثار این انقلاب‌ها نه تنها در حضور این بزرگواران بلکه حتی زمانی که ایشان هم در قید حیات نبوده‌اند خود را نشان داده است.

۵. توجه به ارزش‌های عمیق انسانی در قالب تربیت دینی: جهانی شدن، شاید بتواند بسیاری از افق‌های ادیان را در هم نوردد، ارزش‌های محلی و سنتی را به چالش کشاند، حتی برخی نگرش‌های اخلاقی را با توجه به ارتباط فرهنگی مسلط غربی، ضعیف سازد، اما جهان گستری، هرگز نمی‌تواند ارزش‌های ثابت و عمیق انسانی و اخلاقی را که مربوط به شرف انسانیت است، کم رنگ کند. جهانی شدن شاید بتواند در دیدگاه‌های ارزشی برخی انسان‌ها مؤثر باشد، اما نمی‌تواند در اصل انسانیت

به دیگران و پیشگیری از انحرافات، نمونه‌ای از این امتیازات است. به اعتقاد برخی روان‌شناسان، مهرورزی و محبت به کودکان، نه تنها موجب تندرستی که بهترین پل ارتباطی برای تربیت کودک در ساحت‌های گوناگون اعم از تربیت اخلاقی، دینی، سیاسی، عاطفی، فیزیکی و علمی است. ارتباط عاطفی با کودک و نوجوان موجب می‌شود وی با والدین صمیمی باشد، به آنها اعتماد کند و پناهگاه خود در بحران‌های زندگی بداند. خداوند در قرآن کریم، خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك»، (آل عمران، ۱۵۹) «به خاطر رحمت خدا بود که تو با آنان ارتباط صمیمی و مهرآمیزی پیدا کردی، اگر یک فرد خشن بودی، هر آینه هیچ کس دور تو جمع نمی‌شد» نقش محبت در جلب دیگران به دینداری، به خوبی از این آیه کریمه روشن می‌شود. شاید همه ما مهرورزی به کودکان را یک نیاز انکارناپذیر بدانیم اما راهها و شیوه‌های مهرورزی برای ما مبهم است.

در تقسیم‌بندی کلی، ابراز محبت به رفتاری و گفتاری تقسیم می‌شود. ابراز رفتاری؛ اقدامات عملی و رفتاری، از قبیل روی زانو نشاندن، در آغوش گرفتن، بوسیدن و بعضی وقت‌ها کنار کودکان خوابیدن، هدیه دادن، بازی کردن و بر سر آنها دست‌نوازش کشیدن است که در بسیاری از روایات مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. محبت و مهرورزی بر دو گونه است؛ بعضی محبت‌ها در عرض هم هستند مثل عاطفه انسان نسبت به فرزندان، والدین، همسر و غیره، اما محبت دیگری وجود دارد که در طول محبت‌های این جهانی است و از بینش و معرفت ما به خداوند برمی‌خیزد. از این گرایش عاطفی، می‌توان به عشق یاد کرد. این محبت هم از جهت کیفی و هم از نظر کمی با گونه نخستین متفاوت است. ابراز گفتاری؛ شامل کلمات محبت‌آمیز است و در روایات زیادی مورد تأکید قرار گرفته است. علی (ع) وقتی می‌خواست با فرزندانشان

شک و تردید ایجاد کند که در واقع اساس و شالوده تمدن‌ها بر آنها شکل گرفته است.

همواره یکی از اساسی‌ترین پیام‌های ادیان توجه به همین ارزش‌های ثابت و عمیق انسانی است که در هیچ دوره‌ای زوال نمی‌پذیرند و در هیچ اجتماعی محو نمی‌گردند، چه در جوامع بدوی و پیشامدرن و سنتی و چه در جوامع امروزی و پسامدرن، این اصول وجود دارند و در ژرفای وجدان هر انسانی بوده و هستند، هر چند که سطح آن کم و زیاد می‌شود و حتی تبلیغات گسترده رسانه‌ای شدید برخی از آن مسلمات انسانی را نیز تغییر دهد، اما این پوشش فراگیر اطلاعاتی نمی‌تواند وجدان جمعی انسان‌ها را متحول سازد، این بدین دلیل است که انسان همواره به اصولی چون آزادی، برابری، عدالت، شرافت، آزادمردی، مردانگی، عدالت اجتماعی، بد بودن ظلم، تساوی حقوق و تکالیف، راستگویی و بسیاری دیگر، باور داشته است و آن مفاهیم، ویژه دینی مختص و مکان خاصی نبوده است. این اصول و ارزش‌های عمیق انسانی - اخلاقی که روح ادیان را شکل می‌دهند، در دوره یکپارچگی جهانی نیز تداوم خواهند یافت و تغییر، تحول، مسخ و دگرگونی این اصول کار چندان ساده‌ای نیست. لذا این مفاهیم به گونه‌ای خودکار و پویا می‌شوند و همچنان انتظارات انسانی را برآورده می‌کنند [۴۸]. در نتیجه در عصر جهانی شدن در برنامه‌های تربیت دینی، باید به این اصول و ارزش‌های مشترک توجه نمود و آنها را در برنامه‌های تربیت دینی به عنوان روح ادیان قرار داد.

از جمله چالش‌هایی که در اثر جهانی شدن بر آن تأکید شد؛ افزایش شکاف‌های اقتصادی بین شمال و جنوب در سطح بین‌المللی و ثروتمندان و فقرا در سطح ملی، تضعیف تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگ انسانی در اثر رواج مصرف‌گرایی، مد و شیء پرستی، رواج دنیاگرایی و دین‌زدایی، نگاه تک بعدی و مادی گرایانه‌ای به انسان، جهت‌دهی و محدود شدن دل مشغولی‌ها به بهینه‌سازی و بهره‌وری دنیای مادی بود، بر این اساس و با توجه به پیامدها و آثار سوئی‌ای که

این چالش‌ها به همراه دارد آیا می‌توان تصور کرد که جز پابندی به ارزش‌های والای انسانی و آیات نجات بخش الهی و داشتن نور ایمان می‌تواند در برابر تمنیات و تمایلات شیطانی دنیا پرستی و مادی‌گرایی مقاومت کند.

۶. توجه به وحدت و یکپارچگی در بینش، منش، هدف و خط مشی: وحدت نداشتن در بینش، منش، هدف و خط مشی، از عوامل مهم آسیب‌زننده به تربیت دینی در جامعه به شمار می‌آید. تضاد در روش‌های تربیت دینی بین مراکز متولی تربیت دینی (رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و هنری در جامعه) باعث تضاد تربیتی و سرگردانی نسل جوان در جامعه گردیده است. اگر یکپارچگی به مفهوم واقعی کلمه، در ساختار و تشکیلات، با رویکرد تلیق فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، شکل منسجم خود را پیدا نکند، قطعاً آسیب‌پذیری نسل جوان در آینده، بیشتر از گذشته خواهد بود. در همین راستا، با توجه به استعداد جامعه و جایگاه دین در عرصه بین‌المللی و بحث جهانی شدن، باید به جاذبه‌های دینی، توجه دقیق و زیرکانه داشت.

اگر تربیت دینی بر این مبنا که دین جوهر زندگی است، اعمال شود، آنگاه آگاهی نسبت به اهمیت، ضرورت، فواید و نسبت دین با دیگر حوزه‌های معرفتی دقیق‌تر خواهد شد. توسعه و ایجاد مدارس به مفهوم امروزی، گسترش سریع تکنولوژی و ارتباطات، صنعتی شدن جوامع و نیازهای متنوع عصر انفجار دانش، دایره تأثیر عوامل مختلف را بر افکار و اندیشه‌های نسل جوان، گسترده‌تر از گذشته کرده است لذا، سهم خانواده‌ها و حتی معلمان در تکوین شخصیت فرزندان خود، روز به روز کمتر می‌شود. در این ارتباط، عوامل محیطی، به ویژه رسانه‌ها، نقش عمده‌ای را به عهده گرفته‌اند و به صورت شبانه‌روزی در تغییر اندیشه‌ها و افکار کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان، نقشی تأثیرگذار ایفا می‌کنند. آنچه مسلم است هنوز مراکز آموزشی و فرهنگی ما به عنوان اصلی‌ترین کانون‌های تربیتی، باید مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرند. اگر نظام آموزش و پرورش بخواهد از مسیر آموزش‌های صرف، به سمت تربیت

دینی، اخلاقی و اجتماعی حرکت کند، لازم است بسیاری از اهداف و روش‌ها را عوض کند. در محیط‌های آموزشی به دانش‌آموز، به تناسب علاقه و استعدادش باید آموزش داده شود. بحث محوریت کتاب حذف و به جای تکیه بر محفوظات، روش یادگیری خلاق محور شود. ساختار و تشکیلات به گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر متولیان امور پرورشی در مدارس، بحث تلفیق آموزش و پرورش و مشارکت همه عوامل دست‌اندرکار در تربیت دینی به دست فراموشی سپرده نشود. در غیر این صورت و اگر شرایط مذکور در مدارس ما حاکم نشود، تربیت دینی راه به مطلوب مورد نظر، نخواهد برد [۳۴].

نسل امروز به مراتب بیش از گذشته در عین افزایش دانش و آگاهی در معرض انواع و اقسام انتخاب‌هایی که هر آن می‌تواند مسیر زندگی وی را تغییر دهد قرار دارد. در این میان اگر متولیان امر آموزش و پرورش، آموزش عالی و حوزه‌های دینی نتوانند همگام و موازی با هم خود را برای مقابله و مواجهه با تنوع و فزونی انتظارات، خواسته‌ها و نیازهای نسل حاضر آماده کنند و به جای پرداختن به تهیه برنامه‌های اصولی و کاربردی در دامن جزئیات گرفتار شوند معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظار خیل عظیمی از دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب خواهد بود. راهکار فوق می‌تواند راهگشا و راهنمای مواجهه با چالش‌هایی از قبیل؛ کاهش میزان کنترل مدارس بر آموخته‌ها، کیفیت و جهت‌گیری‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان، کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت، از بین رفتن خصیصه نظارت و داوری سیاسی، اخلاقی ملی و محلی در نظام تربیتی، تأکید بر آموزش‌های غیر بومی و جهانی و کم رنگ شدن ویژگی‌های بومی و به مخاطره افتادن هویت ملی و ارزش‌های دینی در برنامه‌های درسی مدارس، و خصیصه ساخت شکنی باشد.

۷. تقوای حضور: از دیگر مؤلفه‌های تربیت دینی مناسب با عصر حاضر تقوای حضور است. تقوا یا حفظ خویشتن گاه با دوری گزیدن و پرهیز میسر می‌گردد.

اگر تربیت دینی تنها بر این تقوا استوار باشد نوعی تربیت قرنطینه‌ای تحقق خواهد یافت که در آن، حفظ افراد تنها با قرار گرفتن در محدوده جدا و دور از شرایط منفی میسر است. اما تقوا شکل دیگری دارد که می‌توان از آن به «تقوای حضور» در مقابل «تقوای پرهیز» یاد کرد. با نظر به خصیصه عصر حاضر و ظهور ارتباطات در شکلی که هر روز گسترده‌تر می‌شود «تقوای پرهیز» در برخی قلمروها ناممکن می‌گردد. فضاهایی که بر ما تحمیل می‌شود، امکان پرهیز را از ما می‌گیرد. اما تقوای حضور، همچنان در دسترس ماست و این است که باید چون مؤلفه‌ای اساسی از تربیت دینی در این عصر مورد توجه قرار گیرد. به یک معنا می‌توان گفت که تقوای حضور مفهوم متفاوتی از مرز و مرزگذاری را فراهم کرده است. در تقوای پرهیز مرز صورت «مکانی» دارد. اما در تقوای حضور مرز شکل «مکانی» می‌یابد، به عبارت دیگر، در حالی که در مرز مکانی فرد را به صورت مکانی و جغرافیایی از شرایط منفی جدا می‌سازیم، در مرز مکانی او فاصله مکانی نمی‌گیرد، بلکه در عین حضور در مکان، خود را در مکانی فراتر می‌بیند، بدین طریق از آلودگی شرایط مصون می‌ماند. مفهوم تقوی حضور و مرز مکانی در آیه «۱۰۵ مائده» آمده است.

بدین صورت که می‌گویند به هسته وجودی خویش رسیدگی کنید و به خودتان پردازید، در این صورت گمراهان به شما آسیبی نخواهند رساند بر اساس این مفهوم تلقی ما از تربیت دینی متضمن قرار داشتن در متن جامعه و حضور در عرصه ارتباطات است. در اصل مفهوم تربیت دینی حاکی از آن است که فرد از درون آغاز کند و فشار بیرونی چندان بر بها نیست و این مطلب از قرآن کریم نیز بر می‌آید آنجا که می‌فرماید: «فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا» و هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش بر می‌گزیند «انسان، ۲۸۰» در اینجا سخن از خواستن فرد است. هر کس بخواهد گام در راه می‌گذارد راه تربیت دینی رفتنی است نه بردنی. به هر حال، با نظر به تحول درونی و التزام درونی که در تربیت دینی نهفته است و با نظر به تقوای حضور که حاصل آن است

پدیده‌ها در قالب تربیت دینی مهم‌ترین زمینه تامین حضور سالم در متن شرایط است.

امروزه نمی‌توان فردا را محدود و محصور به مکان و موقعیتی خاص نموده و به بهانه محافظت از وی برای مصون ماندن از بلایایی که در اجتماع وجود دارد دامنه زندگان وی را محدود کنیم، به گونه‌ای که حتی اگر ما بخواهیم این کار را نیز انجام دهیم توانایی انجام چنین کاری را نخواهیم داشت، در این میان آنچه عاقلانه به نظر می‌رسد اجازه دادن به فرد برای حضور در اجتماع و گاهی حتی بودن در موقعیت‌هایی به مراتب ناسالم می‌تواند مؤثر باشد. وقتی ما بتوانیم به کمک راهکار فوق فرد را به درجه‌ای از اعتماد و اطمینان به خویشتن برسانیم، شاید بتوان ادعا نمود که دلمشغولی در مورد چالش‌هایی چون؛ جایگزینی فرهنگ زدگی به جای فرهنگ‌پذیری، نفوذ ارزش‌های سایر جوامع (بدون توجه به جوانب آن)، تأکید بر آموزش‌های غیر بومی و جهانی و کم رنگ شدن ویژگی‌های بومی جای خود را به اطمینان به قدرت و توانایی خود در برابر حفظ ارزش‌های دینی و حفظ خود در برابر چالش‌ها بدهد.

۹. بهره‌گیری از عنصر «زیبایی‌شناختی» در تربیت دینی: بزرگترین عنصر تربیت دینی، وجود عشق و محبت متربی به خالق بزرگ است. هدف از تربیت دینی، پرورش شور و شوق فطری کودک نسبت به جلال و جمال الهی است، نه ارائه مستقیم معارف الهی. پس نقش اساسی مربی و معلم دینی، انتقال اطلاعات دینی نیست، بلکه فراهم آوردن شرایطی است که متربی به تجربه درونی، به دین که ریشه در فطرتش دارد، گرایش و علاقه پیدا کند [۴۹].

هدف از عنصر «زیباشناختی» در تربیت دینی - اخلاقی این است که هر گونه اثر تربیتی در قالب رفتار، کلام، الگو، نصیحت، تجربه و... به پرده‌ای زیبا و با تصاویری دلنشین همراه با لحظات جذبه به درون متربی انتقال داده شود. غریزه «خداگرایی» و «مطلق‌جویی» پس از تولد و در دوران کودکی، رشد خود را آغاز می‌کند و در دوران نوجوانی و جوانی به مراحل کمال می‌رسد، اما

می‌توان گفت در بدترین شرایط اجتماعی نیز می‌توان از تربیت دینی سخن گفت. عصر ارتباطات و چالش‌هایی که با خود می‌آورد مانع تربیت دینی نیست.

۸. سنجش و بررسی درست امور و گزینش و طرد منطقی و نه احساسی آنها: این ویژگی، در واقع خود پشتوانه‌ای برای تقوای حضور در شرایط عصر حاضر است. لازمه حضور فعال در عصر حاضر ارزیابی اطلاعات و رویدادهای اجتماعی است. چون معتقدیم نمی‌توان چشم را بر حقایق بست بلکه باید با دیدی باز و دقیق به سراغ اتفاقات امروز جهان رفت و آنها را در بوته نقد و بررسی قرار داد و موضعی مناسب بر اساس اصول و معیارهای دینی در برابر آنها اتخاذ کنیم. اما، ارزیابی و نقادی، مستلزم بازشناسی جنبه‌های مثبت و منفی پدیده‌های این دوران است. طرد یکباره و تمام عیار هر آنچه متعلق به این دوران است نه تنها ممکن نیست، بلکه مطلوب هم نیست، زیرا این گونه طرد تمام عیار، در دامن خود، پذیرش تمام عیار را می‌پروراند. اگر تربیت دینی بنا را بر طرد تمام عیار مظاهر عصر حاضر بگذارد، وجهه‌ای غیر منصفانه و دور از واقع خواهد داشت. بنابراین گرچه در عصر جهانی شدن رسانه‌های جمعی و فناوری‌های ارتباطی و اطلاع رسانی بشر امروز را با «توده‌ای شناور» از افکار مختلف که در بردارنده هویت‌های مجازی گوناگون است، مواجه کرده‌اند، توصیه قرآن کریم در این موارد تأکید بر قدرت گزینش انسان و پرهیز از پذیرفتن هویت‌های مجازی غیر واقعی است که با فطرت بشری و علت‌غایی دین منافات دارند چنانکه خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید «فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» ای پیامبر بشارت ده کسانی را که اقوال را می‌شنوند و بهترین آنها را تبعیت می‌کنند (زمر، ۱۷). بر این اساس تربیت دینی همواره باید پدیده‌های نو ظهور این عصر را مورد ارزیابی و نقادی منصفانه قرار دهد و افراد را برای گزینش و طرد منطقی آنها آماده سازد. از این رو به نظر می‌رسد آموختن این نوع مواجهه با

دین‌زدایی گام برداشت، از آن جهت که امروزه جهان غرب با انواع و اقسام سیاست‌ها مشغول تهیه و تدارک انواع و اقسام سرگرمی و تهیه وسایل و ابزارهای سرگرمی هستند که بتوانند اذهان جهانی به طور عموم و جوانان به طور ویژه را به کالاهای لوکس خود جذب کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

جهانی شدن واژه رایج دهه ۱۹۹۰ میلادی است. جهانی شدن فرایندی از تحول است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کم رنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگ‌ها را روز افزون می‌کند. جهانی شدن یک پدیده چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، نظامی و فناوری است، و فعالیت‌های اجتماعی همچون محیط زیست را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

علاو بر این‌که ارائه تعریف جامع از دین که همه ادیان را در برگیرد دشوار است با این حال دین عبارت است از مجموعه گزاره‌های توصیفی و تجویزی که از طرف خدا به انسان داده شده است. تدین ناظر به دگرگونی‌هایی است که دین در وجود یک فرد ایجاد می‌کند و تربیت دینی، تربیتی است که از مراحل گوناگون عبور می‌کند و هر قدر عمیق‌تر می‌شود به همان میزان از منابع کنترل بیرونی آزادتر می‌شود، به گونه‌ای که تربیت دینی به انگیزه‌های درونی، معنوی، معرفتی و ارزشی ختم می‌شود. برخی از ابعاد و دقایق قابل توجه فرایند جهانی شدن را می‌توان در نکات ذیل صورت‌بندی نمود:

جهانی شدن فرایندی همه جانبه و فراگیر است که در تمام عرصه‌های اجتماعی بشر رسوخ نموده است. فرایندی چالش‌گیر است، به گونه‌ای که ابعاد مختلف آن قلمرو بسیاری از مفاهیم اجتماعی سنتی مانند؛ نظم، قدرت، امنیت، دولت، مشروعیت، فرهنگ، حاکمیت و هویت را در نوردیده و زمینه را برای باز تفسیر آنها فراهم ساخته است. فرایند جهانی شدن به مدد نیروهایی چون؛ ارتباطات، شرکت‌های فراملی، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی هویت‌ها و مرزهای ملی را کم رنگ ساخته و

در دوران جوانی زمانی جایگاه بایسته و شایسته خود را باز یابد و به بار می‌نشیند که منادیان تربیت دینی زیبایی‌های دین را به گوش جان او رسانده باشند. و اینجاست که پستالوتسی می‌گوید: هزاران هزار انسان (گمراه) با خشنودی بسیار راه درست را در پیش می‌گرفتند، اگر می‌دانستند که چگونه در این راه گام بگذارند، اگر نیرو و انگیزه‌ای می‌داشتند، اگر دستی برای یاری به سویشان دراز می‌شد [۴۹].

جوان چون دارای روح استدلال کردن است و برهان‌گرایی جزء فطرت اوست و سخن منطبق با روح حساس و منطبق بر استدلال و برهان را رد نمی‌کند. خداگرایی و زیبایی دینی در تربیت دینی جلوه‌گاه شایستگی‌ها می‌گردد. زیرا خداگرایی جزو سرشت حق‌گرای اوست. خداوند در بسیاری موارد پیام آسمانی خود را در دل داستان‌ها و آن هم به صورت دیالوگی و غیر مستقیم ابلاغ می‌کند که از این رهگذر روح و جان انسان را نوازش می‌دهد و چنان بر جذابیت پیام می‌افزاید که به آسانی بر قلب انسان می‌نشیند. بنابراین شایسته است تدبیری اندیشیم که تعلیم و تربیت دینی برای جوانان جذاب باشد به طوری که آنان از روی آگاهی، انتخاب، اختیار و اشتیاق به دین روی آورند [۵۰].

آنچه که با توجه به مقتضیات زمان در تربیت دینی باید مطرح نظر قرار گیرد، اصلاحات در روش‌های تربیت دینی است. مدیران مراکز آموزشی و فرهنگی ما، با توجه به تفاوت‌های فردی در دانش‌آموزان، باید اصل زیبایی‌شناسی و ابزار هنر را، خصوصاً در غنی‌سازی اوقات فراغت و فوق برنامه لحاظ، و در این مسیر، عمدتاً به مراحل رشد کودکان و نوجوانان در گروه‌های سنی پیش از دبستان، دوره دبستان و دوره راهنمایی توجه کنند.

با بهره‌وری از این راهکار می‌توان در جهت مقابله اصولی با چالش‌هایی چون، تضعیف تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگ انسانی در اثر رواج مصرف‌گرایی، مد و شیء پرستی، دنیاگرایی و

به توسعه، نیازمند تعامل و تفاهم با جامعه جهانی و از سوی دیگر، تعامل با جهانی شدن، خطر هضم یا دست کم استحاله فرهنگی باورهای دینی را به دنبال دارد، از این رو پژوهش حاضر به دنبال طرح و پاسخگویی به این پرسش اساسی بود که کشورهای اسلامی و از جمله جمهوری اسلامی ایران که حاصل انقلاب اسلامی است، باید چه راهبردها و راه‌حلهایی برای مقابله با چالش‌هایی که در اثر جهانی شدن به‌ویژه در بعد تربیت دینی به وجود می‌آید، اتخاذ کند تا از آسیب‌های آن که به نوعی بیش از مزایای آن است در امان بماند.

تعداد راهبردهای مقابله پویا با پدیده جهانی شدن به‌ویژه در بعد تربیت دینی با جهانی شدن و جهانی‌سازی، به موقعیت‌های زمانی و اقتضای شرایط برمی‌گردد. در این میان بهره‌گیری از هر کدام از راهکارهایی که به آنها اشاره شد در نوع خود می‌تواند در مواجهه و مقابله منطقی و در عین حال پویا با چالش‌های ناشی از جهانی شدن در امر تربیت دینی راهگشا باشد. بر اساس دیدگاه اسلام تربیت افراد برای ورود به پروسه جهانی شدن، رویکردی قید و بندی و قید شکنی در مفهوم متعارف آن را بر نمی‌تابد. دیدگاه اسلامی نظر بر پرورش قوه داوری، قضاوت، ایجاد و رشد قیدهای درونی در افراد دارد تا افراد با اتکا به پشتوانه‌های درونی و اعتقادی بتوانند در عرصه جهانی شدن دست به انتخاب، گزینش و طرد از بین پدیده‌های نو ظهور بزنند.

بسیاری از پدیده‌های متأثر از آن‌ها را دستخوش تغییر و تحول نموده است.

علی‌رغم همه موافقت‌ها و مخالفت‌ها با جهانی شدن، می‌توان اذعان داشت که آن، خیر یا شر مطلق نیست، بلکه هم فرصتی است که می‌تواند یاری‌دهنده فرهنگ‌ها و نظام‌های مختلف شود و هم تهدیدی است که می‌تواند اضمحلال و نابودی آن‌ها را به دنبال داشته باشد.

هر چند نمی‌توان فرصت‌هایی را که جهانی شدن پدید می‌آورد، انکار کرد ولی این فرصت‌ها در مقابل تهدیدها و چالش‌ها، بسیار اندک و ناچیز است. فرصت یا تهدید جهانی بودن به میزان زیادی به میزان توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی، کشورها و گروه‌های مختلف در کارآمد ساختن برنامه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌هایشان بستگی دارد.

فرآیند جهانی شدن و طرح جهانی‌سازی، دو پدیده اساسی در عصر حاضر است که نه تنها بر جنبه‌های اقتصادی صنعتی و اجتماعی زندگی تأثیر عمیق گذاشته، بلکه جنبه فرهنگی و اعتقادی و روانشناختی زندگی را هم دچار تغییر و تحولات اساسی نموده است.

جهانی شدن چه به عنوان روندی تاریخی یا پروژه‌ای برنامه‌ریزی شده، واقعیت اجتناب‌ناپذیر عصر حاضر است. این در حالی است که از یک سو دستیابی

منابع

۱۱. عطاران، محمد (۱۳۸۲). فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات مدارس هوشمند.
۱۲. باقری، خسرو (۱۳۸۰). چستی تربیت دینی، چاپ اول، تهران، انتشارات تربیت اسلامی.
۱۳. براند، واتسن (۱۳۸۰). تدریس مؤثر تربیت دینی، ترجمه محسن بهرام پور، تهران: نشر تربیت اسلامی.
۱۴. معروفی، یحیی (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر جهانی شدن آموزش و پرورش، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن و تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران.
15. Weber, E (2007). Globalization, glocal development, and teachers' work: A research agenda. *Review of Educational Research*, 77, 279-309.
16. Lewis, P., Thornhill, A. and Saunders, M (2003). *Employee Relations. Understanding the Employment Relationship*. Harlow: Prentice-Hill.
17. Douglas, J. A (2005). How all globalization is local: Countervailing forces and the influence on higher education markets. *Higher Education Policy*, 18 (4), 445-473.
18. Van der Merwe, D (2005). Reflections on the Impact of Globalisation on Higher Education, *Aambeeld/ Anvil 2*: 38-40.
۱۹. دستمرد، ماح (۱۳۸۲). بررسی تأثیر جهانی شدن بر اهداف تعلیم و تربیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
۲۰. کلباسی، حسن و جلائی، عبدالمجید (۱۳۸۱). بررسی اثرات جهانی شدن بر تجارت خارجی ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۱، صص: ۱۱۳-۱۲۸.
۲۱. بهکیشن، محمد مهدی (۱۳۸۰). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران، نشر نی.
22. McGrew, A (1992). *conceptualizing global politics*. Cambridge p, 23.
23. Waters. M (1995). *globalization*. london. Routledge, p.2.
24. Giddens. A and Hutton.W(2001). *on the edge. Living with Global capitalism*, london.p.64.
25. Scholte, j.A (2000). *Globalization Acritical. introduction*. london.P.12.
۲۶. دهشیار، حسین (۱۳۷۹). جهانی شدن: تک‌هنگار طلبی
۱. دانشگر، سعید، جعفری، سید ابراهیم و لیاقت دار، محمد جواد (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی تربیت دینی و زمینه‌های آموزشی آن، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، شماره سوم، صص: ۳۳-۵۲.
۲. سجادی، سید مهدی (۱۳۸۲). جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن برای تعلیم و تربیت، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال دهم، شماره‌های ۳ و ۴، صص: ۱۱۳-۱۲۸.
۳. توانا، معصومه (۱۳۸۴). نسبت جهانی شدن و تربیت دینی (فرصتها و تهدیدها)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت دانشگاه: تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی
۴. منادی، مرتضی (۱۳۸۵). جهانی شدن، دستگاه‌های فرهنگی و جوانان ایرانی، سایت اینترنتی: www.fakouhi.com
5. Stromquist, N (2002). *Education in a globalized world: The connectivity of economic power, technology, and knowledge*. Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
۶. مهرمحمدی، محمود و صمدی، پروین (۱۳۸۲). بازنگری درالگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسط، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳.
۷. رابرتسون، دونالد (۱۳۸۰). جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
۸. شمشیری، بابک (۱۳۸۴). تبیین امکان جهانی شدن و رویکرد و تربیت دینی متناسب با آن از منظر مدرنیسم، پست مدرنیسم و عرفان اسلامی، اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران.
۹. عالی، مرضیه (۱۳۸۲). تبیین فرصت‌ها و چالش‌های جهانی شدن برای آموزش و پرورش ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
10. Smith, M. k (2002). *Globalization and incorporation of education*. www.Infed.org/biblio/Globalization.Htm1.

- ایالات متحده آمریکا، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۲.
۲۷. نظری، محسن و بازرگانی، کیا (۱۳۸۳). بررسی اثر جهانی شدن بر صنایع نساجی، پوشاک و چرم طی دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۸، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۴، صص ۱۰۳ تا ۱۲۶.
۲۸. باقری، خسرو (۱۳۷۹). تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم، تربیت اسلامی (کتاب سوم)، تهران، مرکز مطالعات تربیت اسلامی وابسته به معاونت پرورشی آموزش و پرورش.
۲۹. شریعتمداری، علی (۱۳۷۸). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۰. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۳). دین و انسان، چاپ اول، قم: بی نا.
۳۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). نسبت دین و دنیا: بررسی و نقد نظریه سکولاریسم، قم: انتشارات اسراء.
۳۲. کاشفی، محمد رضا (۱۳۸۲). مبانی فلسفی و قرآنی جهانشمولی اسلام، مجموعه مقالات جهانشمولی اسلام و جهان‌سازی، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات مجمع تقریب مذاهب اسلامی.
۳۳. مایکل، پترسون و دیگران (۱۳۷۷). عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو.
۳۴. مرادحاصل، امیر (۱۳۸۴). تربیت دینی؛ باید‌ها و نبایدها، فصلنامه اصحاب قلم، شماره ۲، صص: ۱۳۲-۱۳۶.
35. Barker, C (1999). *Television, Globalisation and Cultural Identities*. Buckingham: Open University Press.
۳۶. هینس، جف (۱۳۸۱). دین، جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم، ترجمه داوود کیانی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
37. Barker, C (1999). *Television, Globalisation and Cultural Identities*. Buckingham: Open University Press.
38. Apple, M., Kenway, J., & Singh, M. (Eds) (2005). *Globalizing education: Policies, pedagogies, & politics*. New York: Peter Lang.
۳۹. کرث، جیمز (۱۳۸۰). مذهب و جهانی شدن، ترجمه حمید بشیریه، مجله نقد و نظر، شماره اول و دوم، ص ۱۳.
۴۰. تاجیک، محمد رضا و درویشی، فرهاد (۱۳۸۳).
- آرمان‌های انقلاب اسلامی در عصر جهانی شدن «چالش‌ها و واکنش‌ها»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، صص: ۱۴۰-۱۷۱.
۴۱. شیرودی، مرتضی (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی ایران و پروژه جهانی شدن «بررسی آثار جهانی شدن بر انقلاب اسلامی ایران؛ راهبردها و راهکارهای مقابله»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص: ۱۳۳-۱۶۵.
۴۲. اسماعیل یصحانی، سعید (۱۳۸۱). جهانی‌سازی و استراتژی مقاومت، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۴ و ۲۵.
۴۳. معروفی، یحیی و یوسف زاده، محمد رضا (۱۳۸۷). پیامدهای جهانی شدن برنامه‌های درسی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، مجموعه مقالات هشتمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی تحت عنوان جهانی شدن و بومی ماندن در برنامه درسی، دانشگاه مازندران.
۴۴. سجادی، سید مهدی (۱۳۸۲). جهانی شدن تعلیم و تربیت، پیامدها و چالش‌ها، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن و تعلیم و تربیت، تهران، صص: ۱۶۷-۱۸۷.
۴۵. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۱). ارتباطات و جهانی شدن، نشریه قدس ۱۳۸۱/۸/۴.
۴۶. زارعان، محمد جواد (۱۳۷۹). تربیت دینی، تربیت لیبرال، مجله علمی ترویجی معرفت، شماره ۳۳.
۴۷. رجائی، فرهنگ (۱۳۸۱). پدیده جهانی شدن (وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی)، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، نشر آگاه.
- گلزاری، محمد (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۷۹۳ دوشنبه ۵ آذر.
۴۸. سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۸۳). جهانی شدن و پویایی انتظارات از دین، از سری مقالات جهانی شدن و دین، چالش‌ها و فرصت‌ها، چاپ اول، قم: انتشارات احیاگران.
۴۹. نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۸۱). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: انتشارات طهوری.
۵۰. انصاری، طاهره (۱۳۸۲). راهبردهای اساسی و روش‌های کارآمد در برنامه‌های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش‌آموزان، مقالات آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران، موسسه محراب قلم.